

ادامه مسیر اشک در ایران

اصل و شرح

این بار مقصد، مشهد است؛ شهری که از همین حالا حال و هوای دیگری دارد. خیابان‌های منتهی به حرم سیاه پوش شده‌اند،

پرچم‌های عزابر سر درها نشسته‌اند و زائران و مجاوران، ساعت‌ها را نه با غربه‌های ساعت که با لحظه‌ر رسیدن کاروان می‌شمارند. گویی تمام اشک‌هایی که از تهران جاری شد، در قم امتداد پیدا کرد و حالا قرار است در سایه گنبد طلایی امام‌رضا(ع)، آخرین برگ

یوم الوفا

ایرانیان رهبر خود را در عراق همراهی کردند



یافت تاریخی شهر نجف اشرف نیز برای پذیرایی از عزاداران و زائران تجهیز شده است.

دیدار دوباره

هشتگ #یوم_الوفا در روز ۱۷ تیر از سوی کاربران عرب و ایرانی برای تشییع رهبر شهید در عراق به اوج خود رسید و یکی از ترندهای شبکه ایکس شد. یکی از کاربران درباره این روز نوشت: «رهبر شهید انقلاب، آخرین بار در ۱۸ سالگی، یعنی در سال ۱۳۳۶ به حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشرف شدند. ساواک دیگر هیچ‌گاه اجازه حضور ایشان در عراق را نداد و پس از انقلاب نیز به‌خاطر مسئولیت‌های مهم امام شهید، زمان مناسبی برای سفر به عتبات فراهم نشد». کاربر دیگری نیز با تصویری از تجمع مردم در میدان ثوره‌العشیرین نجف اشرف نوشته بود که دشمنان تلاش کردند تا میان مردم ایران و عراق جدایی بیندازند اما این دولت همیشه متحد هستند.

مقدس علوی و جمعی از خادمان بارگاه ملکوتی امیرالمؤمنین(ع)، پیکرهای مطهر اعضای خانواده رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران، در آیینی آکنده از حزن و معنویت، گرد ضريح نورانی حضرت امیرالمؤمنین طواف داده شد. خادمان مراسم که با جلیقه‌های خاکی رنگ مشخص شده بودند، وظیفه طواف را بر عهده داشتند، ولی حضور دسته‌های بزرگ مشتاقان رهبر انقلاب حرم را پر کرده بود. نماز میت بر پیکر رهبر انقلاب و اعضای خانواده ایشان در صحن مطهر حرم و زیر سایه‌های پان سفید رنگ حیاط از سوی آیت‌الله سیدمحمدتقی حکیم، اقامه شد در حالی که ایرانیان به وسیله اینترنت و بخش زنده تلویزیونی شاهد این مراسم بودند. برخی از ایرانیانی که در عراق حضور داشتند هم خود را به این مراسم رسانده بودند. مهمانسرای آستان مقدس علوی صدها هزار وعده غذا برای پذیرایی از مهمانان مراسم تشییع فراهم کرده بود. ۳محل مهمانسرای مرکزی آستان، مقابل صحن حضرت فاطمه زهرا(س) و همینطور در ورودی

محمد سربازی | روزنامه‌نگار |

ایرانیان رهبر شهید را در شهر امام علی(ع) همراهی کردند.

همان مشتاقان رهبر که به زیارت پیکر او در مصلای تهران رفته بودند و در خیابان انقلاب پیکر او را تشییع و ظهر روز ۱۷ تیر ماه سایت آستان مقدس علوی را قبضه کردند تا از راه دور رهبر شهید خود را همراهی کرده باشند. فرصتی نبود تا ایرانی‌ها بتوانند در یک روز خود را به قم و پس از آن به نجف برسانند. سپس آنها که می‌خواستند در این روزها همراه رهبر باشند فقط یک راه در پیش روی خود می‌دیدند؛ اینکه وارد سایت حرم امیرالمؤمنین(ع) شوند و در کنار برادران عراقی شاهد ورود پیکر رهبر شهید به حرم باشند. در این ساعات، هشتگ‌های تشییع رهبر در عراق نیز مانند دیگر روزهای وداع و تشییع، ترند فضای مجازی شده بود.

به تراز دور سلام

شهر نجف در شب رسیدن پیکر رهبر شهید خواب نداشت؛ زیرا پس از سال‌های طولانی، مهمان بزرگی به این شهر می‌آمد. وقتی پیکر به فرودگاه رسید و از آنجا تا حرم امیرالمؤمنین(ع) شیعیان عراق در دو سوی مسیر به استقبال امام مجاهد شهید رفتند. ظهر روز چهارشنبه، حرم امام اول شیعیان مملو از عاشقان و شیفتگان رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران بود و سایت آستان مقدس علوی از سوی کاربران ایرانی قبضه شده بود که از راه دور شاهد حرکت پیکر مطهر رهبر شهید روی دستان جوانان شیعه عراقی بودند.

طواف در خانه پدری

پس از اذان ظهر و اقامه نماز با حضور توفیت آستان

#مسیر اشک

از تهران تا قم، نجف، کربلا و مشهد، جاده‌ای که با اشک فرش شد



همان موب‌ک‌هایی که بی‌وقفه کار می‌کنند، همان دست‌هایی که پیش از آنکه چیزی بخوای، لیوان آب را جلویت می‌گیرند. کسی از ملیتات نمی‌پرسید. پرچم‌های ایران کنار پرچم‌های عراق در باد تکان می‌خوردند و زائران، دوشادوش هم، آرام به سمت حرم امیرالمؤمنین(ع) حرکت می‌کردند. در میان جمعیت، زبان مشترک همه، زبان اشک بود... مردم عراق با شعار «لیبیک یا حسین» «لیبیک یا خاتمه‌ای» با پیکر پاک رهبر شهید ایران اسلامی وداع کردند. بر فراز ستون‌های مسیر، سایه انداخته بود. وقتی که هر سال میلیون‌ها قدم را به یاد دارد، این بار روایت دیگری را در حافظه‌اش ثبت می‌کرد. موب‌ک‌ها یکی پس از دیگری روشن بودند و پرچم‌های عزا کاروان به کربلا رسید، بین‌الرحمین دیگر فقط یک میدان نبود؛ دریاپی از سیاه‌پوشانی بود که زیر نگاه گنبد‌های طلایی ایستاده بودند. در آنجا، دیگر بر فراز معنا نداشت. از تهران تا قم، از قم تا نجف، از نجف تا کربلا یک مسیر جغرافیایی طی شده بود، اما آنچه در حافظه مردم ماند، نقشه راه نبود؛ مسیر اشک بود؛ اشکی که از خیابان‌های تهران جاری شد، در صحن‌های قم آرام گرفت، کنار گنبد امیرالمؤمنین(ع) ادامه پیدا کرد و در بین‌الرحمین، میان ۲حرم، به روایتی مشترک رسید.

با قاب عکسی که از آخرین سفر آقا به قم داشت. در صحن‌ها، صدای دعا با گر به در هم آمیخته بود. خادمان همه آماده استقبال از رهبر شهیدشان بودند. چقدر دوست داشتند در این دیدار بوسه بر دستان و عیای آقا بزنند اما حیف و صدافسوس که این آخرین زیارت با همه زیارت‌ها فرق می‌کرد. زائران، بی‌آنکه کسی دعوتشان کرده باشند، حلقه‌های عزاداری را حالا و قشش رسیده بود رهبر شهید بعد از ۶۹سال کامل می‌کردند. قم اما آخرین مسیر این اشک نبود؛ دلتنگی برای سیدالشهدا راهی عراق شود. این بار، جاده از مرزها عبور کرد.

مسیر اشک در عراق

وقتی هواپیما در عراق به زمین نشست، انگار روایت تازه‌ای آغاز شد. کشوری که سال‌ها میزبان میلیون‌ها زائر اربعین بوده، این بار خود را برای میزبانی از بدرقه مردی آماده کرده بود که ۶۹سال آرزوی خاک کربلا را داشت. پرچم‌های سیاه بر فراز کوچه‌های شهر نجف و کربلا می‌قصیدند و موب‌ک‌ها پیش از طلوع آفتاب جای داغ میان مردم پخش می‌کردند. حضور گسترده مردم واقعیتی بود که هیچ رسانه‌ای نمی‌توانست منکر آن شود. نجف، بوی اربعین می‌داد. همان استان‌های کمر بار یک جای

هنوز تهران بوی اسپند می‌دهد؛ بوی همان صبحی که خیابان‌ها پیش از طلوع خورشید بیدار شدند؛ وقتی پیرمردی عصا زدن خودش را به میدان رساند، مادری دست کودک خواب‌آلودش را گرفت و جوانی که پرچم ایران را روی شانه انداخته بود، بی‌آنکه چیزی بگوید، فقط به مسیر خیره ماند. آن روز، خیابان‌های تهران دیگر فقط یک خیابان نبودند؛ رودخانه‌ای از آدم‌ها بودند که آرام و بی‌صدا به یک سمت می‌رفتند. صدای نوحه از بلندگوها می‌آمد اما صدای گریه مردم بلندتر بود. گاهی یکی صلوات می‌فرستاد، گاهی دستی بالا می‌رفت و گاهی فقط اشکی بی‌صدا روی گونه‌ای می‌لغزید. تهران، بدرقه را از خیابان‌هایش آغاز کرده؛ بدرقه‌ای که قرار نبود همانجا تمام شود. کاروان راه افتاد و اشک، همسفرش شد.

مسیر اشک در قم

قم، ایستگاه بعدی بود؛ شهری که انگار از ساعت‌ها قبل خودش را برای وداع آماده کرده بود. از ورودی شهر تا حرم، مردم چشم‌به‌راه آقاایشان ایستاده بودند. هوا گرم بود اما این گرما هم مانع حضورشان نشد. یکی با جفیه به یاد جفیه همیشه همراه رهبر شهید آمده بود، یکی با شاخه گلی در دستش و دیگری

لباس عزا
بر تن زنان جنوب

در میان تمام سوگواری‌هایی که این روزها با نام رهبر شهید انقلاب گره خورده، زنان جنوب جا نماندند و با روضه‌خوانی‌های خود در نخلستان به عزاداری پرداختند. آیین کهن «میدان» این

بار به شکلی متفاوت در روستاهای جنوب برگزار شد. این بار زنان سیاه‌پوش با در دست داشتن تصویری از رهبر شهید و با مویه‌های زنانه، یاد رهبر شهید را زنده نگه داشتند و غم این

روزی‌هاشان را روایت کردند. آنها در خانه‌های ساده روستاهای عرب‌نشین خوزستان و زیر آفتاب سوزان به سبک و شیوه خود آیین بدرقه را به جای آوردند.

یک دنیا دلتنگی

ایرانیان خارج از کشور باره انداختن یک هشتگ از راه دور بار رهبر شهید وداع کردند

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | همه آنها که به صد دلیل، هزاران هزار فرسنگ از ایران دورند و از مراسم تشییع پیکر رهبر شهید جا مانده‌اند، این روزها دست به دامان هشتگ فراگیر «وداع مجازی با رهبر شهید» شده‌اند و ویدئوهایی کوتاه با محتوای وداع از سر تاسر دنیا به اشتراک می‌گذارند. آنها در ویدئوها نشان مجازی وداع می‌کنند و اینترنتی با جمعیت سیاه‌پوش بدرقه‌کنندگان که همچنان در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران حاضرند و سوگوار، همراه می‌شوند. در این گزارش تعدادی از پربازدیدترین ویدئوهایی را که در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ «وداع مجازی با رهبر شهید» گره خورده‌اند، مرور کرده‌ایم.

گزارش

وقتی ویدئو با بغض متوقف شد

نخستین ویدئوها از دورترین کشورها به اشتراک گذاشته شده‌اند؛ از ژاپن، کانادا، فرانسه، انگلیس و سوئد تا نزدیک‌ترها مانند عمان و ترکیه؛ بیش از ده‌ها ویدئوی کوتاه که در هر یک، کاربران ایرانی شبکه‌های مجازی گوناگون به زبانی ساده و خودمانی با رهبر شهید خود وداع می‌کنند. یکی از این کاربران، پریانام دارد که با صدایی بغض‌آلود می‌گوید: «چند ماه از اون صبح زودی که گفتن شما برای همیشه رفته‌اید، گذشته و من اون صبح زود هم عزادار شما شدم و هم عزادار ایرانی که فکر می‌کردم بعد از شما یواش یواش دچار فروپاشی می‌شه... اما نشد... کاش جای شما هم خالی نمی‌شد...». راوی این جملات، بعد از چند ثانیه مکث، دکمه توقف ضبط ویدئو را می‌فشارد قبل از اینکه بغضش کامل بترکد.

ما هم همینطور...

لوکیشن ویدئوی دیگر، شهر گوتنبرگ سوئد است؛ ویدئویی یک دقیقه‌ای که مژگان در آن می‌گوید: «بلاورم نمی‌شه که رفتید... که دیگه نیستید... دوست‌داشتنی‌ترین تصویری که ازتون توی ذهنم دارم برای جشن تکلیف دختر است. همنی که چند سال پیش توی حسینیه امام خمینی بر گزار شده بود. اونجا واقعا مثل باباهایی بودید که دخترش دوش رو گرفته بودن...». ویدئوی مژگان هم با بغض تمام می‌شود. کاربرانی ویدئوی او را پسندیده و برایش، همان نظری را که این روزها، بارها و بارها از زبان دیگران تکرار شده است، نوشته‌اند: «ما هم همینطور مژگان عزیز... ما هم همینطور...».

غربت و ما غریب

فاطمه، کاربری از عمان نیز با عنوان #داع_مجازی_با_رهبر_شهید، ویدئویی کوتاه تهیه کرده است: «تنها جمله‌ای که مدام با خودم تکرار می‌کنم تا غم دوری ابدی‌تون قابل تحمل شه، اینه آقا چون که خوشحالم تو زمونه‌ای زندگی کردم که شما حضور داشتید.» کاربر دیگری باز هم با نام فاطمه ولی از جزیره کرت یونان هم ویدئوی وداع خود را با رهبر شهید به اشتراک گذاشته است: «حسرت به دل آخرین دیدار موندم... بچه‌ها؛ من حدود ۱۵ ساله توی این جزیره زندگی می‌کنم اما حالا باور کنید ا وقتی آقای خاتمه‌ای شهید شدن، اینجا حس غربت و غربی بهم دست داد...».

پرواز از خانه پدری

اسحاق، سال‌هاست از ایران مهاجرت کرده تا در هامبورگ آلمان تحصیل کند. سال‌های بسیاری که به قول خودش، بیشتر یک پایش در ایران بوده: «...وطن مثل خونه پدریه. حالا شما تصور کن تو خونه پدری، دیگه خبری از پدر نباشه... پدر ایران؛ این ویدئو رو برای شما پر کردم... به خدا سپردمتون.» و امیر هم کاربر دیگری است از آلمان: «سلام، من امیرم از آلمان. به صد دام آمیدم، دامن از چندین قفس چیدم، ندیدیم جز به بال نیستی، پرواز آزادی. توی یکی از جلسه‌های دیدارتون با شاعر، گفته بودید این بیت (بیدل دهلوی) رو خیلی دوست دارید. مادر گیر دام‌های روز مرادیم و شما را بال نیستی، بالاخره پرواز کردید. لطفاً برای پرواز ما هم دعا کنید.»

